

گزارش مختصری از جریان محفلی بمناسبت تجلیل از 16 آذر، روز جنبش دانشجویی ایران

بتاریخ 12 دسمبر 2009 به مناسبت تجلیل از روز 16 آذر، جنبش دانشجویی - از 16 آذر، تا 18 تیر، تاجنیش اخیر- در شهر آمستردام کشور هالند، محفلی برگزار گردید. کمیته برگزارکننده این محفل: کمیته ای میزکتاب آمستردام متشکل از: "انقلابیون کمونیست، فعالین چریکهای فدائی خلق ایران- هالند، شورای سوسیالیست های مسلمان، کانون زندانیان سیاسی ایران (در تبعید) - هالند، هواداران حزب کار ایران (توفان)- هالند" و سازمان زنان هشت مارچ (ایران- افغانستان) هالند، خانه هنر هالند، سازمان IKA- هالند، سازمان پرایم، هواداران سابق پیکار و منفردین چپ"، بودند. در این محفل دانشجویان مهمان از آلمان و بلجیم (بلژیک) و هالند نیز شرکت داشتند. من که توسط یکی از رفقای "سازمان چریکهای فدائی خلق ایران" دعوت شده بودم، بایک رفیق دیگر از جنبش انقلابی پرولتری کشور در این محفل شرکت کردیم.

این محفل به لحاظ موضوع آن و در شرایطی که برگزار گردید، از اهمیت ویژه ای برخوردار بود. در بخش اول از این محفل سخنرانان در مورد تاریخچه جنبش دانشجویی ایران و اهمیت آن در مبارزات ضد استبدادی و ضدا رجاعی و ضد امپریالیستی در مقاطع مختلف تاریخ معاصر ایران، چگونگی سیر حرکتی این جنبش به لحاظ ماهیت فکری و سیاسی آن در طی سی سال اخیر در شرایط ستم و استبداد جمهوری اسلامی ایران، و وضعیت کنونی این جنبش و طرح خواسته های آن که در این اواخر خواسته های دموکراتیک را مطرح کرده و حتی بعضاً موجودیت نظام جمهوری اسلامی وابسته به امپریالیسم رازیرسوال قرار داده است، به پیش رفته است.

در این محفل دانشجویان مهمان از طبیفهای مختلف فکری و سیاسی و عده از اعضا و فعالین جنبش چپ ایران، در مورد کمیته و کیفیت جنبش دانشجویی و جنبش توده ای ماه های اخیر در ایران بیانیه های ایراد کردند و تحلیل های از وضعیت موجود جنبش دانشجویی و جنبش توده ای ماه های اخیر ایران، بدست دادند. یکی از زنان سخنران که بیانیه ای مبسوطی ایراد کرد و خود را از فعالین کمونیست معرفی نمود، از نقش پررنگ زنان در خیزشهای چند ماه اخیر صحبت کرده و حتی نظر داشت که به لحاظ کمی اکثریت شرکت کنندگان در این جنبش رازنان تشکیل داده و در این حرکت پیش قدم اند. او همچنین نظر داشت که جنبش زنان یک جنبش «فراطبقاتی» است و رهائی جامعه ایران تا حد زیادی به رهائی زنان مربوط است! (در حالیکه رهائی زنان مربوط به رهائی کل جامعه از سلطه و ستم نظام ارتجاعی، حاکم و سلطه امپریالیسم است. و آزادی و رهائی واقعی همه طبقات و اقشار تحت ستم و استثمار جامعه منجمله، زنان به پیروزی انقلاب دموکراتیک نوین و انقلاب سوسیالیستی منوط می گردد. در غیر آن هر تحول سیاسی روبنایی، در جامعه، شاید تا حدی آزادیهای اجتماعی مدنی ای را برای زنان ببار آورد ولی ستم طبقاتی و ملی و ستم مذهبی و سلطه و ستم مرد بر زن جز از طریق انقلاب اجتماعی ریشه ای امکان پذیر نیست.)

در بخش دوم محفل که به پرسشها و پاسخها اختصاص داشت: درباره جنبش دانشجویی و جنبش توده ای چند ماه اخیر بطور خاص و جنبش انقلابی پرولتری ایران بطور عام سوالاتی توسط عده ای از شرکت کنندگان مطرح شده و از جانب سخنرانان محفل پاسخ داده شد. همچنین در ضمن پاسخ به سوالات درباره ماهیت و اهمیت جنبش توده ای ماه های اخیر ایران؛ نظراتی ارائه شده و تحلیل های مطرح گردید؛ و هریک از سخنرانان از دیدگاه خودش به این جنبش پرداخت.

در بخش سوم که وقت محدودی به کسانی اختصاص یافته بود که می خواستند در مورد جنبش دانشجویی و جنبش توده ای اخیر از نظر کنند یکی از اعضای "سازمان چریکهای فدائی خلق ایران" مختصرأ در مورد جنبش انقلابی پرولتری ایران صحبت کرده و درباره ترکیب طبقاتی و خصلت جنبش توده ای ماه های اخیر بدستی موضع گرفته و چنین اظهار نظر نمود: "برخلاف این نظریه ها که جنبش توده ای خود بخودی اخیر ایران را جنبش طبقه متوسط می خوانند،- توضیح داده و گفت:- در این جنبش

ملیونها نفر از توده های مردم ستم دیده ایران شرکت دارند و نمی شود که این جنبش را جنبش طبقه متوسط ارزیابی کرد.

در این فرصت من هم بطور بسیار فشرده روی دو موضوع تماس گرفتم: اول اینکه به تایید نظر رفیق "سازمان چریکهای فدائی خلق ایران"، خیزش ماه های اخیر خلق ایران را یک جنبش توده ای خودجوش که با اثر فشار ستم و استبداد و جنایات رژیم اسلامی ایران علیه خلقهای این کشور در طی سه دهه اخیر بوجود آمده، ارزیابی کردم. این جنبش در نوعش درسی سال اخیر کمتر اتفاق افتاده و در واقع فوران خشم و نفرت خلقهای ایران خاصاً روشنفکران، زنان و جوانان علیه نظام ضد مردمی جمهوری اسلامی است. همچنین نظر من این بود که باید روی ترکیب طبقاتی جنبش توده ای اخیر، خواستهایی که در آن مطرح می شود و موضوع رهبری این جنبش در آینده، جداً فکر کرد. همچنین من علاوه کردم که در میان کتله های وسیعی از مردم ایران در خیزش ماه های اخیر بخشی از شرکت کنندگان در آن در مورد نقش رهبری جناح «اصلاح طلب» رژیم در این جنبش هنوز هم موضع روشن ندارند و بخشی گمان می کنند که رهبری این جنبش با همین وسعت و محتوی آن در دست این جناح رژیم؛ منجمله موسوی و کروی و خاتمی است. {در اینجا باید علاوه کنم که: اگرچه مردم ایران این افراد را نظریه ماهیت فکری و سیاسی و سابقه آنها که از جمله سران همین نظام سفاک ضد مردمی و ضد انسانی بوده اند (وطی چند سال اخیر توسط جناح رقیب کنار زده شده اند) و جنایات سخیفی را علیه خلق ایران مرتکب شده اند و دست آنها مانند دیگر سران این نظام بخون خلق ایران آلوده است، بخوبی می شناسند. لیکن پیروان این افراد، اعضای تشکیلات سیاسی تحت رهبری آنها، در داخل و خارج ایران تلاش می نمایند تا زیر نام «جنبش سبز» و «انقلاب سبز»، این جنبش مردمی را از اهداف اصلی آن منحرف کرده و آن را در جهت منافع سیاسی و طبقاتی شان سمتهی کرده و تحت کنترل داشته باشند. زیرا جناح «اصلاح طلب» رژیم مشکلی بانظام اسلامی که در راه تحکیم آن تلاش کرده اند، ندارند. اینها اکنون می خواهند آنرا رنگ و روغن داده و بزعم آنها اگر بتوانند عمر نظام را طولانی تر کنند. ولی آنچه که تاکنون عملاً دیده می شود که سیر حرکت و سمت و سوی این جنبش و شعارهای که در ماه های اخیر در آن مطرح میشود، اکثراً برخلاف خواسته های موسوی و کروی و خاتمی بوده و عترضین موجودیت نظام را نیز زیر سوال قرار داده اند.

موضوع دیگری که من روی آن مکث نمودم این بود که: در این تظاهرات بجای شعار برضد امپریالیسم جهانی، شعار مرگ بر امپریالیسم فدراسیون روسیه و امپریالیسم چین (که بیش از دیگر امپریالیستها سلطه اقتصادی و سیاسی و نظامی بر ایران دارند و رژیم ضد مردمی اسلامی وابستگی و نزدیکی بیشتری با این قدرتهای سرمایه داری جهانی دارد) سر داده می شود و این در موردش هنوز یک مسئله است که باید بآن توجه نمود. همچنین من روی سمتهی و رهبری این جنبش تاکید کردم که البته کمونیستهای انقلابی ایران در این مورد نظر اصولی داشته و جدا در این باره توجه دارند. من به این موضوع نیز تماس گرفتم که عده ای از سخنرانان در ارزیابی ها و تحلیلهای شان از جنبش توده ای اخیر و جنبش دانشجویی، قضایا را کمتر از جنبه طبقاتی آن به ارزیابی می گرفتند. همچنین من کوتاه تذکر دادم در این شرایط اگر روی موضوع جنبش توده ای اخیر صحبت می شود باید این جنبش و سایر جنبشهای توده ای، منجمله جنبش دموکراتیک زنان و جنبش دانشجویان و جوانان در رابطه به جنبش انقلابی پرولتری ایران مورد بحث قرار گیرد. و بحثها روی مسئله اصلی و مهم که انقلاب خلق ایران مطرح است بیشتر باید تمرکز یابد. و نیز من از تجربه شکست انقلاب بهمن سال 1357 یادآوری کرده و روی این موضوع تاکید نمودم که انقلابیون کمونیست ایران با آموزش از این شکست باید سعی کنند تا رهبری پرولتاریا را بر این جنبش ویرسایر جنبشهای توده ای در ایران تامین کنند.

یک تبصره کوتاه:

بعد از شکست انقلاب سیاسی بهمن 1357 و سرکوب خونین جنبشهای انقلابی و توده ای توسط رژیم ارتجاعی اسلامی ایران و تصفیه دانشگاه ها بوسیله یک برنامه ارتجاعی و ضد مردمی و خصومت با آنچه که غیر اسلامی بود در دانشگاه های ایران و تصفیه و اخراج استادان و شاگردانی که با این موج شدیداً ارتجاعی و ضد فرهنگ ملی مردم ایران، مخالفت می کردند؛ دولت اسلامی توانست تا مدت زیادی

از شکل گیری و رشد جنبش دانشجویی مترقی در ایران جلوگیری کند. از همین جاست که جنبش دانشجویی ایران تحت سلطه دولت مذهبی فاشیستی ایران، به لحاظ فکری و سیاسی و تشکیلاتی در طی این سه دهه نشیب و فرازهای داشته و مراحل مختلفی را طی کرده است. دیده می شود که در طی سالهای اخیر بخشهای از این جنبش مطالبات و خواستهای دموکراتیک را مطرح کرده و در شرایط چند ماه اخیر شعارهای آن رادیکال تر شده است. ویژگی دیگر این جنبش اینست که در این اواخر زمینه در هم آمیزی آن با جنبش خودجوش توده های ملیونی خلق ایران بوجود آمده است.

تجربه مبارزاتی خلقها در جوامع مختلف جهان و در مقاطع تاریخی مختلف نشان داده است که جنبشهایی مترقی دانشجویان و جوانان همیشه در صف اول مبارزات توده های خلق قرار گرفته اند. ویژگی دیگر این جنبشها این است که محصلین و متعلمین با کتله های وسیع توده ها در ارتباط نزدیک هستند؛ عبارت دیگر اکثریت قاطع اینها از بین همین توده ها برخاسته و پیوند نزدیکی با آنها دارند. اگرچه روشنفکران نظریه خصلت قشری و طرز تفکر و جهان بینی آنها از توده های کارگرودهفان و سایر زحمتکشان شهرها و دهات متفاوت هستند؛ اما خواستها و مطالبات دموکراتیک بر حق آنها زمینه ایست که آنها را به سمت جنبش توده ها کشانده و بان پیوند می دهد. علی الخصوص آن بخش از روشنفکران جامعه که ذهن آنها به اندیشه ها و افکار انقلابی پرولتری روشن شده باشد و ضرورت مبارزه توده های خلق را در سرنگونی نظام ارتجاعی حاکم و سلطه و ستم امپریالیسم بخوبی درک می کنند؛ اینها هر چه بیشتر تلاش می کنند تا با جنبش توده ها پیوسته و آگاهی انقلابی را به آنها انتقال دهند.

در مورد جنبش دانشجویی ایران: این جنبش نیز نظریه ترکیب طبقاتی و قشری آن و هم نظریه اینکه تاجه سطحی اندیشه انقلابی و مترقی در آن نفوذ دارد؛ مورد ارزیابی قرار می گیرد. لیکن به استثنای دانشجویان طبقات بالای جامعه و اقشار متوسط نزدیک به آنان، دیگر همه طبقات و اقشار جامعه در طی سی سال اخیر تحت ستم و استبداد و اختناق رژیم خود کامه و ستمگر جمهوری اسلامی قرار داشته و رنج و عذاب کشیده اند. در این میان روشنفکران، جوانان، محصلین و متعلمین بیش از همه در برابر این همه ستم و مظالم حساس هستند و واکنش نشان میدهند. همچنین در جمهوری اسلامی ایران اعمال فشار و ستم بر زنان یکی از حربه های مهم ستمگری این نظام در طی سی سال اخیر بوده است. این نظام نظریه ماهیت و خصلت طبقاتی آن و هم اینکه وجهه و سمت نمایندگی «خدا» را بر روی زمین برایش قایل است، ستم بر زنان را بر مبنای احکام شریعت اسلام بشدت اعمال کرده و می کند. در حقیقت نظام اسلامی خواسته تا بزعم آن از این طریق نصف نفوس کشور را که ستم کش ترین هستند، از حرکت بازدارد. تا با این طریق بخشی از فشار توده ها را بر خودش تقلیل دهد. این نظام در طی ماه های اخیر بیش از هر وقتی مورد اعتراض و خشم و نفرت خلقهای ایران منجمله زنان، دانشجویان، ملیتهای تحت ستم، و اقلیتهای مذهبی قرار گرفته است. و آنچه که میتواند به جنبش کنونی توده های خلق ایران توان مقاومت و تداوم بیشتر ببخشد که با سایر جنبشهای اجتماعی مترقی منجمله جنبش کارگران، دانشجویان، و جنبش زنان، جنبش دهقانان، جنبش ملیتهای تحت ستم و سایر جنبشهای اجتماعی مترقی، اتحاد و پیوند نزدیک برقرار کند. لیکن اصل اساسی و مهم در پیروزی این جنبشهای توده ای، رهبری آنها توسط یک حزب واقعاً انقلابی طبقه کارگراست.

30 دسمبر 2009 (9 جدی 1388)

پولاد: از (گروه پیکار برای نجات مردم افغانستان - م ل م -)